

پژوهشی درباره ترجمه‌های مخطوط معانی قرآن کریم*

نوشته: اکمل الدین احسان اوغلی

ترجمه از عربی: یعقوب جعفری

در این بررسی، نسخه‌های خطی ترجمه قرآن کریم به زبانهای گوناگون را که هم اکنون در دسترس قرار دارد، مورد توجه قرار می‌دهیم و به ذکر مشخصاتی که از بررسی آنها به دست می‌آید و نیز تاریخ ترجمه هر یک خواهیم پرداخت، ولی وارد ارزیابی متن این ترجمه‌ها نخواهیم شد.

ترجمه مطلوبی که در بالاترین حد ممکن، ویژگیهای متن اصلی را با امانت منعکس کند، کاری بس مهم و دشوار است و باید مترجم به خوبی به هر دو زبان - زبان متن و زبان ترجمه - و نیز به ویژگیها و مشخصات اقوامی که این دو زبان را به کار می‌برند، آگاه باشد. همچنین مترجم باید مطلب را به طور فنی و دقیق بفهمد.

حال که ترجمه به طور کلی چنین دشواریهایی دارد، وظیفه ما در برابر ترجمه یک متن الهی مانند قرآن کریم که به زبان عربی بلیغ نازل گردیده و با فنون ادبی شگفت‌آوری آراسته شده چیست؟ همچنین نباید مسئولیت اخلاقی بزرگی که برعهده اقدام کننده به چنین ترجمه‌ای است، فراموش گردد.

ترجمه قرآن کریم از عربی به زبانهای دیگر، از همان قرنهای اولیه اسلام آغاز شد و به سبب اهمیت فراوان این موضوع، ما طرح عظیمی را در کتابشناسی نسخه‌های مربوط به

* این مقاله در تاریخ ۱۹۹۲ م / ۱۴۱۳ ق، در لندن توسط مؤسسه الفرقان للتراث الاسلامی، در مجموعه‌ای به نام اهمیت المخطوطات الاسلامیة چاپ شده است.

ترجمه قرآن کریم در «مرکز بررسیهای تاریخ، هنر و فرهنگ اسلامی» (ارسیکا) در سال ۱۹۸۰ میلادی در استانبول آماده کردیم. اجرای این طرح در سه مرحله انجام پذیرفت که به اجمال چنین است:

الف. ترجمه‌های چاپی،

ب. ترجمه‌های خطی،

ج. ترجمه‌هایی که به طور شفاهی نقل شده است.

کتابشناسی ترجمه‌های چاپی، نخستین مرحله این طرح بود که پس از شش سال بررسی، این مرکز توانست آن را در آغاز سال ۱۹۸۶ میلادی تحت عنوان کتابشناسی جهانی ترجمه‌های معانی قرآن کریم (ترجمه‌های چاپی از سال ۱۵۱۵ تا سال ۱۹۸۰) در استانبول به چاپ برساند.

بدیهی است در اینجا به نقطه نظرهای گوناگون مذاهب

فقهی درباره ترجمه قرآن نمی‌پردازیم، بلکه تلاش خواهیم کرد

خلاصه‌ای از نتایج بررسیهای بسیاری را که در مقدمه جلد اول درباره تاریخ این ترجمه‌ها آورده‌ایم، به دست دهیم. بر اساس این بررسیها که موضوع را از زمانهای دور در برمی‌گیرد، چکیده نظرات دانشمندان اسلامی را در این مورد می‌توان چنین بیان کرد: دین اسلام اجازه می‌دهد قرآن کریم به زبانهای دیگر ترجمه شود تا کسانی که زبان عربی نمی‌دانند، قرآن را بفهمند. در عین حال هرگز نمی‌توان ترجمه را معادل متن اصلی و یا جایگزین آن در شعائر و عبادات دانست و یا احکام فقه اسلامی را از آن استخراج نمود.

مرحله دوم طرح ما در کتابشناسی ترجمه‌ها، به ترجمه‌های خطی قرآن کریم به زبانهای مختلف در نقاط گوناگون عالم مربوط می‌شود و ما آن را به کمک تعداد اندکی از محققان در آغاز سال ۱۹۸۶ میلادی شروع کردیم و در فاصله میان سال ۱۹۸۶ تا پایان سال ۱۹۹۱ میلادی به رغم دشواریهای موجود توانستیم بیش از چهار هزار نسخه از ترجمه‌های قرآن کریم را که به صورت خطی است، در ۳۰ زبان و در ۳۷ کشور شمارش کنیم و انتظار داریم که پیش از پایان این بررسیها مخطوطات بیشتری را پیدا کنیم.

هدف ما در بحث کنونی این است که خلاصه‌ای از بررسیهای یاد شده و نتایجی را که به

پژوهشی درباره ترجمه‌های مخطوط معانی قرآن کریم ۷۷ □

آن رسیده‌ایم، برای نخستین بار به جامعه علمی تقدیم کنیم. بی تردید، آگاهی‌هایی که در اینجا ارائه می‌دهیم، معلومات نهایی در این باره نیست، بلکه امیدواریم از طریق انتقادهای سازنده و همکاری‌هایی که از دوستان متخصص انتظار داریم، بتوان به دقت نظر بیشتری رسید.

در بررسی موضوع مورد نظر، به این نتیجه رسیدیم که بیشترین تعداد این مخطوطات مربوط به ترجمه قرآن کریم به زبان فارسی، پس از آن زبان ترکی و سپس زبان اردو است.

همچنین نسخه‌های خطی دیگری وجود دارد که مربوط به زبانهای آسیایی، اروپایی و آفریقایی است، و به این نتیجه رسیدیم که قسمت اعظم این مخطوطات در کتابخانه‌های ترکیه، ایران، هند و انگلستان قرار دارد (نگاه کنید به جدولهای ۱-۳) و این تعداد همچنان که گفتیم آمار نهایی نیست، بلکه انتظار می‌رود در اثر آگاهی‌های تازه‌ای

که کسب خواهیم کرد بر آن افزوده گردد. نیز این آمار و ارقام مشتمل بر نسخه‌های مکرر از یک ترجمه است که نشانگر اهمیت ویژه قرآن کریم است، به گونه‌ای که هرگز هیچ کتابی مانند آن، این گونه مورد توجه قرار نگرفته است. این تعداد ترجمه به روشنی بیانگر اهتمام کشورهای غیر عرب به دین اسلام است.

انواع ترجمه

نوع اول، ترجمه کلمه به کلمه یا لفظی است و آن ترجمه‌ای است که بر جایگزینی کلمات یا الفاظ با کلمات و الفاظ دیگر استوار است. در این نوع ترجمه، واژه‌های بیگانه آن گونه انتخاب می‌شوند که به نظر می‌رسد به صورت دقیق معادل کلمات عربی هستند. معمولاً این نوع ترجمه‌ها با دو زبان در سطرهای متوالی ترتیب می‌یابند، به صورتی که کلمات بیگانه زیر

جدول ۱

پروپوزیشن کا نام: علم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

جدول ۲ و ۳

پروپوزیشن گاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

کلمات عربی و هماهنگ با آن نوشته می‌شود. مترجم در این نوع ترجمه نمی‌کوشد که جمله ادبی کاملی بسازد، چون کار او متمرکز در گزینش بهترین معادل یا مرادف هر یک از واژه‌های عربی است. البته به طور طبیعی کلمات معادل بر حسب تطور زبان ترجمه در طول زمان تغییر پیدا می‌کند و این مسئله برای دانشمندان لغت اهمیت ویژه‌ای دارد، چون متن عربی قرآن کریم تا امروز به همان شکل اصلی خود و بدون کوچک‌ترین تغییر باقی مانده، ولی واژه‌هایی که به عنوان معادل اصلی عربی پایدار انتخاب می‌شوند به مرور زمان تغییر می‌یابند و برای همین است که ترجمه‌های قرآن کریم منبعی بسیار مهم برای فهم معانی کلمات عربی و بررسیهای لغوی به شمار می‌آیند.

در ترجمه کلمه به کلمه، فهم معنای کامل متن بر عهده خواننده گذاشته می‌شود، ولی گاهی سطح شناخت خواننده در حدی نیست که او را به معنای متن عربی برساند؛ اینجاست که متن عربی، شرح و تفسیر بیشتری طلب می‌کند. برای پاسخگویی به این نیاز، نوع دوم ترجمه پدید می‌آید.

نوع دوم ترجمه بر اساس تفسیر انجام می‌گیرد و مترجم معنای متن را در قالب جمله‌هایی زیبا منتقل می‌کند. بی‌شک در این نوع ترجمه مترجم مسئولیت بیشتری دارد، چون او می‌تواند واژه‌های بیشتری را به کار گیرد و توضیحاتی را از منابع مختلف مانند احادیث یا تفاسیر یا ترجمه‌های دیگر بر آن بیفزاید تا عبارات او از قوت و وضوح بیشتری برخوردار شود. نتیجه اینکه این نوع ترجمه‌ها نوعی تعلیقه و توضیح بر متن قرآن است.

در باب ترجمه‌های «میان سطری» که در آنها سطر متن عربی در ردیف سطر ترجمه به زبان دیگر قرار دارد - و غالباً مترجمان آنها ناشناخته‌اند - در مرحله اول دشوار است که تعیین کنیم آیا این نسخه‌هایی که پیش روی ما قرار دارند، نسخه‌هایی مختلف از یک ترجمه‌اند یا ترجمه‌های گوناگونی هستند. ولی ترجمه‌های تفسیری، مشتمل بر مقدمه و فهرست محتویات است و دارای ویژگیهای خاصی است که مربوط به شیوه نگارش است و به همین جهت در مقام تطبیق دو متن، تعیین اینکه هر دو یک ترجمه و یا دو ترجمه جداگانه‌اند تا اندازه‌ای آسان است.

در کنار دو نوع ترجمه‌ای که در بالا گفته شد، ترجمه‌های کوتاه یا دارای جمله‌های کامل هم وجود دارند که به ترجمه‌های چاپی عصر حاضر شباهت دارند.

پژوهشی درباره ترجمه‌های مخطوط معانی قرآن کریم (۸) □

نسخه‌های خطی ترجمه‌های قرآنی را از نظر دیگر می‌توان به دو گروه تقسیم کرد:

گروه اول: ترجمه‌های کامل

گروه دوم: ترجمه‌های جزئی

در کنار اینها ترجمه‌هایی نیز هستند که مترجمان آنها به دلایل گوناگون نتوانسته‌اند آنها را کامل کنند که باید میان این ترجمه‌های غیر کامل با ترجمه‌های جزئی فرق گذاشت، چون در ترجمه‌های غیر کامل هدف مترجم این نبوده که اجزای خاصی از قرآن را ترجمه کند و بقیه را ترجمه نکند. لذا احتمال دارد که اجزای ناقص این ترجمه‌ها که در نگاه اول ناقص به نظر می‌رسند، در مجموعه خطی دیگری پیدا شود.

ترجمه‌های کامل معمولاً با متن عربی قرآن کریم همراهند. البته گاهی نسخه‌هایی پیدا می‌شوند که قسمتی از اجزای آن از میان رفته است که باید راجع به این گونه نسخه‌ها دقت کافی به عمل آید. برخی از ترجمه‌ها نیز بیش از یک مجلدند و گاهی این مجلدات از لحاظ ویژگی‌های ظاهری مانند کاغذ، نوع خط، تزیینات و نیز زبان با یکدیگر اختلاف دارند، بلکه گاهی در تاریخ نسخه‌برداری برخی از مجلدات تناقض وجود دارد و این بسا از آنجاست می‌شود که کسی مالک مجموعه معینی بوده و کوشیده است تا آن را با مجلداتی که در زبانهای مختلف به دست آورده کامل کند. روشن است مجلداتی که با این هدف جمع‌آوری می‌شوند، ممکن است بعدها در مجموعه‌های مختلف پراکنده گردند، و از آنجا که تبادل نسخه‌های خطی متعارف نبوده، محال است که با جمع‌آوری اجزای مختلف بتوان نسخه واحدی تهیه کرد و از لابه‌لای نسخه‌های پراکنده، کاری کامل انجام داد، مگر از راه بررسی‌های آکادمیک که با آگاهی‌های گسترده و صبر و حوصله رسیدگی شود و براساس کتابشناسی باشد، مانند کاری که ما آن را انجام می‌دهیم.

ترجمه‌های گزینشی شامل دو دسته‌اند:

دسته اول عبارتند از ترجمه‌های مربوط به یک یا چند جزء و یا چند سوره و یا چند آیه از قرآن کریم که گاهی مترجم آیاتی را که مربوط به یک موضوع معین است انتخاب و ترجمه می‌کند.

دسته دوم ترجمه‌هایی هستند که نسخه‌بردار، بخشی از اجزای یکی از ترجمه‌ها را انتخاب می‌کند. در این صورت اگر دستیابی به نسخه خطی اصلی ممکن باشد، می‌توان این

ترجمه‌های گزینشی را اجزایی از آن نسخه دانست و چنانچه این امر ممکن نباشد، بیشترین کاری که می‌توان کرد این است که این ترجمه‌ها را در ردیف ترجمه‌های انتخابی قرار دهیم. تا آنجا که می‌دانیم، ترجمه‌های انتخابی و گزینشی بیشتر مربوط به جزء بیست و نهم و سی‌ام قرآن، سوره فاتحه، یوسف، یس، اخلاص و نیز آیه ۲۵۵ سوره بقره (آیه الکرسی) است. بخش عمده ترجمه‌ها به صورت نثر است، هرچند ترجمه‌هایی هم وجود دارند که شامل انواع نظم هستند. نیز برخی آیات به صورت موزون و مقفی ترجمه شده‌اند. علاوه بر این، آیاتی از قرآن در فرهنگها و معجم‌های قرآنی و در کارهای آکادمیک و ادبی و نوشته‌های صوفیه ترجمه شده‌اند.

در اینجا ضروری است که به اختصار به علل وجود اختلاف در برخی از نسخه‌های ترجمه‌های قرآن کریم اشاره کنیم. بجز اختلاف ناشی از خطاهای تلفظی و املائی، بیشتر اختلافها مربوط به تغییرات طبیعی است که در زبان مقصد پیدا می‌شود و در بعضی مواقع قاریان آن نسخه از قرآن، تعلیقاتی را در حاشیه متن اصلی نوشته‌اند و در مراحل بعدی نسخه‌برداران، آن تعلیقات را وارد متن اصلی ترجمه کرده‌اند. گاهی هم بعضی از نسخه‌برداران جمله‌هایی را که احیاناً در متن اصلی ترجمه ناقص و یا افتاده بوده، از روی نسخه خطی دیگر کامل کرده و یا خود به ترجمه آنها پرداخته‌اند.

اهمیت هنری نسخه‌های خطی ترجمه قرآن کریم

نسخه‌های خطی ترجمه‌های قرآن کریم ارزش هنری بسیاری دارند و این در مرحله اول به عظمت قرآن کریم و احترام ویژه‌ای که قرآن در میان مسلمانان دارد، مربوط می‌شود که مصحفها و ترجمه‌های قرآن کریم را با خطوط زیبا نوشته و به شکل جالبی جلد کرده‌اند؛ لذا مصاحف و ترجمه‌های قرآن نقش مهمی در پیشرفت سریع هنرهای خط / خوشنویسی، تذهیب و جلدسازی داشته است و این فنون به سرعت به مرتبه بالایی از ترقی رسیده‌اند. شک نیست که این هنرمندان آثار هنری خود را در نسخه‌برداری از قرآن کریم و ترجمه‌های گوناگون آن به عنوان یک کار مقدس پدید آورده و مسئولیتی را که بر عهده آنان بوده به خوبی درک کرده‌اند و این همان مسئولیت بزرگی بوده که از جهت اخلاقی و شرعی داشتند. آنان همه مهارتهای خود را در نگارش، آراستگی ظاهری و جلدسازی قرآن کریم به

پژوهشی درباره ترجمه‌های مخطوط معانی قرآن کریم ۸۳ □

کار گرفته و نهایت سعی خود را کرده‌اند تا از بهترین مواد ممکن استفاده کنند. به همین جهت است که نسخه‌های خطی ترجمه‌های قرآن کریم موضوع مهمی در پژوهشهای مربوط به فنون خط و تذهیب و جلدسازی به شمار می‌رود و پژوهش در مواد اولیه و ابزار و شیوه‌های به کار رفته در آماده کردن این شاهکارهای فنی در حد خود اهمیت ویژه‌ای دارد.

نسخه‌های خطی ترجمه‌های قرآن کریم، از لحاظ ترتیب عناصر گوناگونند؛ مثلاً در ترجمه‌های لفظ به لفظ (تحت اللفظی) کلماتی که با کلمات عربی مرادفاند، میان سطرها نوشته می‌شوند. به طور کلی، نوع خط ترجمه با نوع خط متن عربی قرآن متفاوت است و ترجمه با حروفی کوچک‌تر و ریزتر نوشته می‌شود. این نوع ترجمه‌ها را معمولاً با رنگی متفاوت از مرکب متن و بیشتر با رنگ قرمز و خط کج می‌نویسند، (نگاه کنید به شکل ۱). گاه نیز نسخه‌هایی پیدا می‌شوند که بیش از یک ترجمه دارند و ترجمه‌ها به صورت متناوب در چند سطر و به زبانهای مختلف قرار دارند. همچنین نسخه‌هایی پیدا می‌شوند که هم ترجمه تحت اللفظی دارند و هم ترجمه تفسیری (نگاه کنید به شکل ۲). نسخه‌هایی نیز هستند که مشتمل بر سه نوع ترجمه‌اند: ترجمه زیرنویس، ترجمه کوتاه و ترجمه تفسیری (نگاه کنید به شکل ۳). قابل ذکر است که در نسخه‌هایی که بیش از یک ترجمه دارند، در کنار ترجمه، اقدام به تفسیر هم شده است (نگاه کنید به شکل ۴).

به طور کلی ترجمه‌های تفسیری با خط شکسته ریز در حاشیه متن قرآن نوشته می‌شود و گاهی هم روشهای دیگری برای جدا کردن آیات از متن در ترجمه‌های تفسیری به کار می‌رود. مثلاً گاهی متن قرآن با مرکبی از رنگ متفاوت و یا با خط بزرگ یا درشت نوشته می‌شود، و گاهی هم آیات به صورت جدول نوشته می‌شود و طبعاً از متن ترجمه جدا می‌گردد و یا خطوطی بالا یا پایین آیات کشیده می‌شود (که غالباً با مرکب قرمز است) و به این ترتیب میان آن و بقیه متن جدایی حاصل می‌شود و ممکن است نام سوره‌ها و عنوانها با رنگ متفاوت نوشته شود یا آراسته گردد.

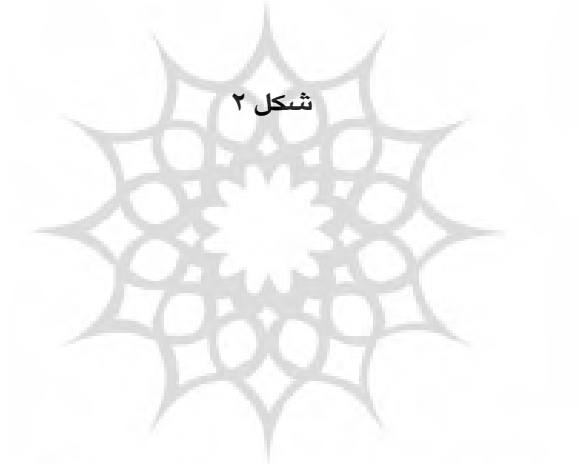
این مشخصات که مخصوص ترجمه‌های کامل است، گاه – هرچند به ندرت – در ترجمه‌های انتخابی هم دیده می‌شود و همان اهمیتی که در خط و تذهیب و جلدسازی در ترجمه‌های کامل دیده می‌شود، در آنها هم مشهود است.

شکل ۱



پروپوزیشن گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

شکل ۲



پروپوزیشن گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

شکل ۳



پروپوزیشن گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

شکل ۴



پروپوزیشن گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

برای نمونه از چند نسخه نام می‌بریم که در کتابخانه سلیمانیه موجود است: تفسیر اسماعیل بن احمد آنکارایی بر سوره فاتحه که تحت عنوان «الفتوحات العینیة» است (نگاه کنید به شکل ۵)، و تفسیر شیخ الاسلام اسعد افندی بر آیه الکرسی (نگاه کنید به شکل ۶). نیز ترجمه‌هایی وجود دارد که مشتمل بر بیش از یک سوره است، مانند نسخه خطی موجود در کتابخانه توپقاپی سرای که از قرن هشتم باقی مانده و مشتمل بر سوره‌های فاتحه، انعام، فاطر و یس است. اما نسخه خطی اوخچی زاده محمد بن محمد، با عنوان «النظم المبین فی الآیات الاربعین» شامل ترجمه چهل آیه از قرآن است. این اثر نمونه‌ای از ترجمه‌های منظوم است که در کتابخانه سلیمانیه موجود است (نگاه کنید به شکل ۷). بیشتر ترجمه‌های یاد شده پیشرفت در هنر جلدسازی را هم نشان می‌دهند.

آمار ترجمه‌های قرآن کریم بر حسب کشورها و زبانها

همچنان که پیشتر گفتیم، بیش از ۴۰۰۰ نسخه خطی از ترجمه‌های قرآن وجود دارد که شامل ۳۰ زبان است و در ۳۷ کشور قرار دارد. این تعداد شامل نسخه‌ها و مجلدات مختلفی است و تعداد قابل توجهی از آنها در کتابخانه‌های ترکیه، ایران، هند و انگلستان قرار دارد. هر کدام از کتابخانه‌های آلمان، روسیه، پاکستان، فرانسه، اسپانیا، ایتالیان، عربستان سعودی و مصر نیز، ۲۵ تا ۱۰۰ نسخه را در خود جای داده‌اند (نگاه کنید به جدول شماره ۳). بیشتر این ترجمه‌ها از نظر زبانی و خصوصیات دیگر از اهمیت بالایی برخوردارند. آماری که در این جدول آمده است، تنها به توزیع این نسخه‌ها در کشورهای مختلف اشاره می‌کند و هرگز بیانگر ارزش و اعتبار آنها نیست.

از این آمار معلوم می‌شود که بیشترین ترجمه‌های قرآن کریم به زبانهای فارسی و ترکی و اردو بوده و حدود ۹۰٪ این ترجمه‌ها به دو زبان فارسی و ترکی است. یکی از علل بالا بودن آمار ترجمه قرآن کریم به این دو زبان آن است که ایرانیان و ترکها از نخستین ملت‌هایی بودند که اسلام را پذیرفتند و به سرعت حروف عربی را به کار گرفتند، با اینکه خودشان دارای تاریخ، میراث فرهنگی و هنرهای اصیل بودند.

شکل ۵



پروپوزیشن گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

شکل ۶



پروپوزیشن گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

شکل ۷



پروپوزیشن گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

ترجمه‌های فارسی از نظر تعداد، بر ترجمه‌های ترکی فزونی دارند و این شاید بدان جهت باشد که ملت‌های دیگری هم بوده‌اند که زبان فارسی را زبان نگارش و ادب خود قرار داده بودند که از جمله آنها ترک‌های آسیای میانه و آناتولی و نیز اقوامی در هند را می‌توان نام برد.

واقعیت این است که بسیاری از ترجمه‌های فارسی توسط مترجمان ترک زبان صورت گرفته است. در همین جا باید تأکید کنیم که دادن آگاهی‌های مفصل از هزاران ترجمه‌ای که در این دایره می‌گنجد، امکان‌پذیر نیست، ولی امیدواریم پس از کامل شدن این طرح علمی، افق‌های وسیع‌تری در این زمینه باز شود و زمینه‌های دیگری برای بحث و بررسی پدید آید. قدیمی‌ترین ترجمه فارسی شناخته شده، همان ترجمه تفسیر طبری است که گروهی از علما در عهد منصور بن نوح سامانی (متوفای ۳۵۰هـ/۹۵۶م) به آن اقدام کردند. البته ما در بررسی‌های خود به یک ترجمه فارسی تحت اللفظی از مترجمی ناشناخته برخورد کردیم که از سوره حجرات تا پایان قرآن کریم را در بردارد و در آخرین صفحه آن همان گونه که در فهرست آمده، چنین درج شده است: این نسخه را خطاط معروف علی بن مقله در سال ۳۰۸هـ/۹۳۶م (یعنی نیم قرن پیشتر از ترجمه ابن نوح) کتابت کرده است. اما پس از بررسی نسخه و با توجه به نوع خط آن به این نتیجه رسیدیم که این نسخه مربوط به زمان ابن مقله نمی‌شود، بلکه در قرن نهم هجری نسخه برداری شده است. این نسخه اکنون در دارالکتب المصریة (به شماره ۶۴ مصاحف) موجود است.^۱

نخستین نسخه موجود از ترجمه فارسی تفسیر طبری، نسخه‌ای است که در کتابخانه عمومی بورسای ترکیه نگهداری می‌شود. تاریخ این نسخه به سال ۵۶۲هـ/۱۱۶۶-۱۱۶۷م برمی‌گردد. این نسخه طلاکاری شده است و از سوره «مؤمنون» تا سوره «سبأ» را دربر دارد. از قرن پنجم هجری (یازدهم و دوازدهم میلادی) به بعد، تعداد ترجمه‌های فارسی میان سطری و ترجمه‌های تفسیری افزایش یافته که علت آن، نسخه‌برداری‌های متعدد از یک ترجمه و نیز افزونی ترجمه‌های جداگانه بوده است. ترجمه تفسیری‌ای که حسین واعظ کاشفی آن را انجام داده و به نام مواهب علیّه یا التفسیر الحسینی معروف است، از جمله ترجمه‌های فارسی است که نسخه‌های بسیاری دارد و ما توانستیم بیش از ۳۰۰ نسخه از آن را شناسایی کنیم که قدیمی‌ترین آنها به سال ۸۷۱هـ/۱۴۹۲م برمی‌گردد. از این ترجمه نسخه‌ای

پژوهشی درباره ترجمه‌های مخطوط معانی قرآن کریم ۹۳ □

ناقص در کتابخانه سلیمانیه استانبول موجود است.

نخستین ترجمه‌های ترکی قرآن کریم با لهجه ترکی شرقی بوده. برخی منابع احتمال داده‌اند که تفسیر طبری به ترکی نیز ترجمه شده بوده است، چون در میان دانشمندانی که تفسیر طبری را به فارسی ترجمه کردند، چند تن از دانشمندان ترک هم بوده‌اند، ولی در حال حاضر نسخه‌ای از این ترجمه ترکی در دست نیست.^۲

از قدیمی‌ترین نسخه‌های ترجمه قرآن کریم به لهجه ترکی شرقی، ترجمه‌ای است که تاریخ آن به قرن هفتم هجری/سیزدهم میلادی برمی‌گردد و به زبانی نوشته شده، شبیه به زبانی که اکنون در منطقه ماوراءالنهر رایج است. این ترجمه در ۳۴۳ برگ است^۳ و در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است. این نسخه ترجمه دیگری را مربوط به سال ۱۲۴۹/۶۴۷ م به پیوست دارد که توسط عبدالقادر بن طاهر بغدادی (متوفای سال ۱۰۳۸/۴۲۹ م) انجام گرفته و ترجمه هشت سوره نخست قرآن کریم به زبان اُزبکی است که نسخه‌ای از آن در آکادمی علمی ازبکستان در تاشکند موجود است.^۴

در کتابخانه آستان قدس رضوی یک نسخه خطی (به شماره ۲۹۳) وجود دارد که مشتمل بر یک ترجمه میان سطری و یک ترجمه تفسیری است و به سال ۱۳۳۷/۷۳۷ م برمی‌گردد و از سوره «ص» تا پایان قرآن کریم را دربر دارد.^۵

در اینجا باید از ترجمه موجود در موزه آثار اسلامی ترکیه یاد کنیم که در سال ۱۳۳۳/۷۳۴ م نسخه‌برداری شده و خصوصیات زبان ادبی رایج در آسیای میانه را دارد.^۶ نیز از نسخه دیگری یاد می‌کنیم که مربوط به قرن نهم هجری/پانزدهم میلادی است که در کتابخانه موزه آسیایی شهر سن پترزبورگ قرار دارد. این نسخه علاوه بر ترجمه تحت اللفظی قرآن به لهجه ترکی قاراخانی، حاوی توضیحات و قصه‌هایی است که ویژگی‌های لهجه‌های ترکی «قپچاق»، «غز» و حتی «جغتایی» را دارد. از همین رو، برخی از مصادر بیشتر احتمال می‌دهند که این نسخه به زبان ترکی خوارزمی باشد.^۷ همچنین نسخه‌هایی از ترجمه قرآن کریم به زبانهای ترکی آذربایجانی، قاراخانی، اویغوری، جغتایی و تاجیکی وجود دارد که بیشتر مربوط به زمانهای متأخر است.^۸

نخستین ترجمه قرآن کریم به زبان ترکی آناتولی در عصر امیران و پس از سقوط سلاجقه آناتول انجام گرفت و نسخه‌های اول آن مشتمل بر ترجمه و تفسیر سوره‌های کوتاه بود.^۹

قدیم‌ترین این ترجمه‌ها در سال ۸۲۶هـ/ ۱۴۲۳م نوشته شده و عنوان «تفسیر سوره ملک» Tefsiri Sure-i Mulk دارد و اکنون در کتابخانه بوردور Burdur در ترکیه نگهداری می‌شود.^{۱۰} در قرن هشتم هجری/چهاردهم میلادی، برای نخستین بار در آناتول ترجمه‌های کاملی از قرآن نگارش یافت و بیشتر ترجمه‌های تفسیری بر اساس تفسیر ابواللیث سمرقندی بود که احمد داعی، موسی ازینکی و ابن عربشاه، هر کدام جداگانه این تفسیر را به ترکی ترجمه کردند. غالباً این سه ترجمه پژوهشگران را به اشتباه می‌اندازد، در حالی که اینها سه ترجمه مستقل از یک متن‌اند. در حال حاضر چندین نسخه خطی از تفسیر ابواللیث که مربوط به قرن هشتم هجری/پانزدهم میلادی است موجود است که در بیشتر آنها نام مترجم ذکر نشده است.

ما هنوز درباره همه نسخه‌های خطی ترجمه‌های قرآن کریم به زبان اردو که به رقم هفتاد می‌رسند، اطلاعات مشخص و مفصلی به دست نیاورده‌ایم، ولی بنابه معلومات محدودی که داریم، معتقدیم که تاریخ قدیمی‌ترین نسخه خطی به زبان اردو به سال ۱۰۰۰هـ/ ۱۵۹۱-۱۵۹۲م بازمی‌گردد. این نسخه‌های خطی عبارتند از ترجمه‌های گزیده‌ای که نام مترجم هیچ یک از آنها ذکر نشده است.^{۱۱} معروف است که محمدباقر فضل‌الله حیدرآبادی مترجم نسخه‌ای است که تاریخ آن به سال ۱۱۱۵هـ/ ۱۷۰۳-۱۷۰۴م برمی‌گردد.^{۱۲} همچنین نسخه‌هایی از ترجمه‌های قرن سیزدهم هجری/هجدهم و نوزدهم میلادی وجود دارد که نام مترجم آنها ذکر نشده است. نیز چندین نسخه خطی از ترجمه شاه رفیع‌الدین دهلوی و برادرش شاه عبدالقادر دهلوی در دست است.

«روبرت کتونی (Robertis Ketensis)» نخستین کسی بود که قرآن کریم را در سال ۱۱۴۳ میلادی به زبان لاتینی ترجمه کرد. از این ترجمه هشت نسخه خطی در کتابخانه ملی پاریس Bibliotheque Nationale وجود دارد.^{۱۳} و نیز نسخه‌هایی از ترجمه قرآن به زبان لاتین وجود دارد که این افراد آنها را ترجمه کرده‌اند: روبرت اهل چستر Robert von Chester، هرمان اهل کارنیا Hermann von Carinthia^{۱۴}، ژوللموس ریموندوس مونس‌تاستا Guillelmus Raymondus Monstastus^{۱۵}، مارکوس کونانیکوس تولتانوس Marcus Conanicus Toletanus^{۱۶}، دومینک ژرمانوس سلیزی Dominic Germanus Silesie^{۱۷}، آبراهام هینکلمان Abraham Hinckelmann^{۱۸}، نیکولاس ویلیام شرودر Nicolas Wilhelm Schroder^{۱۹}، جان هنری پاراو

پژوهشی درباره ترجمه‌های مخطوط معانی قرآن کریم ۹۵ □

Jean Henri Parau^{۲۰} و دوینوس وارینوس Devinus Warenus^{۲۱}. در کنار اینها، ترجمه‌های دیگری نیز وجود دارد که نام مترجمان آنها را نمی‌شناسیم.^{۲۲}

تنها نسخه خطی ترجمه قرآن کریم به زبان چینی که به آن دست یافته‌ایم، به قرن سیزدهم هجری/هجدهم میلادی برمی‌گردد و در ۶۱ برگ در کتابخانه وزارت هند India Office Library در لندن به شماره Arabic Ms 3340 نگهداری می‌شود.^{۲۳} همچنین توانستیم به وجود سه نسخه خطی از ترجمه قرآن کریم به زبان ارمنی پی ببریم که دو نسخه آن در آلمان و سومی در ایران است. نیز ترجمه دیگری به قلم استفانوس Stephanos در بوپال هند وجود دارد.^{۲۴} دو نسخه‌ای که در آلمان است، یکی در کتابخانه توینگن Tübingen (Ma. XIII 84)^{۲۵} و دومی در کتابخانه ملی آلمان Staatsbibliothek Preussischer Kulturbesitz Orientabt.^{۲۶} (به شماره Or. Quart 605) قرار دارد. نسخه دوم در سال ۱۸۰۳ در استانبول کتابت شده و ۱۸۶ برگ است. هنوز از مشخصات نسخه‌ای که در یک کلیسای ارمنی در ایران وجود دارد آگاهی به دست نیاورده‌ایم.^{۲۷}

سه نسخه خطی از ترجمه قرآن کریم به یکی از لهجه‌های زبان فولانی Fulani که لهجه پولار Pular است در داکار سنگال وجود دارد و دو نسخه نیز در بنگاه فرانسوی آفریقای سیاه Institut Français de l'Afrique Noire به شماره‌های (IFAN 57, 58) موجود است و در هر دو، ترجمه هر آیه در صفحه‌ای مستقل قرار دارد.^{۲۸} نسخه سوم از ۶۲۲ برگ تشکیل یافته و به شماره (IFAN 99) ثبت شده و تاکنون کامل بودن این ترجمه مشخص نشده است.^{۲۹}

همچنین توانستیم بر وجود دو نسخه خطی از ترجمه قرآن کریم به زبان هلندی (فلمنکی) پی ببریم که نسخه اول ۲۸۱ برگ است و توسط سالمون شوایگر Salomon Swigger ترجمه شده و اکنون در کتابخانه سلطنتی آلبرت Royal Albert Library در بروکسل بلژیک قرار دارد^{۳۰} و نسخه دوم، از مترجمی ناشناخته، در کتابخانه دانشگاه لیدن Leiden در هلند است.^{۳۱}

نیز دو نسخه خطی از ترجمه قرآن کریم به زبان عبری موجود است که یکی از آنها را یعقوب بن اسرائیل Jacob Ben Israel ترجمه کرده و کتابت آن در سال ۱۶۳۶ در بندقیه انجام یافته است و عنوان «سفرها القرآن» را دارد. این نسخه هم اکنون در کتابخانه بادلیان Bodleian در دانشگاه آکسفورد (MS.Michael 113) است.^{۳۲} در همین کتابخانه، نسخه دیگری از متن

عربی قرآن کریم (Huntington 529) وجود دارد که همراه با ترجمه عبری در داخل متن و حاشیه‌ها به قلم مترجمی ناشناخته است و تاریخ آن به سال ۱۶۰۰ میلادی برمی‌گردد.^{۳۳} نسخه‌ای خطی از ترجمه قرآن به زبان انگلیسی به تاریخ ۱۸۰۵-۱۸۰۶ میلادی وجود دارد که تنها شامل آیاتی است که بر دیوارهای داخلی مسجد تاج محل نقش بسته است. این ترجمه ۷۹ برگ است و در کتابخانه ملی پاریس قرار دارد (Arabe 4529).^{۳۴} نیز از تنها نسخه خطی ترجمه ایتالیایی قرآن کریم در فهرست تاسی Tassy^{۳۵} اطلاع یافتیم ولی نتوانستیم از این نسخه که ترجمه سوره بقره را دربردارد، اطلاعاتی به دست آوریم.

همچنین توانستیم به وجود هشت نسخه خطی از ترجمه قرآن کریم به زبان جاوی پی ببریم. سه نسخه از اینها تعلیقاتی برگرفته از تفسیر جلالین است که در کتابخانه ملی پاریس به شماره (MS. Arabe 654)^{۳۶} و کتابخانه دانشگاه سلطنتی لیدن Bibliothek der Rijkuniversiteit به شماره‌های (OR 1886 و OR 6890)^{۳۷} قرار دارند. نسخه دیگری به زبان جاوی وجود دارد که ترجمه سوره فاتحه را دربرگرفته و تاریخ آن به قرن نوزدهم میلادی برمی‌گردد و در کتابخانه ملی برلین به شماره (Schoem. II.19)^{۳۹} قرار دارد، و نیز دو نسخه در کتابخانه دانشگاه سلطنتی لیدن هلند به شماره‌های (2097 و 5697)^{۴۱} وجود دارد و در کتابخانه Bibliotheca Bonnensi Servantur یک نسخه خطی به شماره (85a) موجود است که ۲۶۴ برگ است،^{۴۲} و بالاخره ترجمه‌ای از سوره بقره در ضمن مجموعه‌ای خطی به شماره (MS. Arabic Loth) 2448 در کتابخانه وزارت هند موجود است.^{۴۳}

تنها نسخه خطی ترجمه قرآن به زبان کانمبو Kanembu به صورت میان سطری، نسخه‌ای است که تاریخ آن به سال ۱۰۸۰ هـ/۱۶۶۹-۱۶۶۷ م برمی‌گردد و به خط مغربی است.^{۴۴} در حاشیه این اثر، تعلیقاتی با عنوان «جامع احکام القرآن» به قلم عبدالله محمد وجود دارد.

تاریخ تنها نسخه خطی قرآن به زبان کردی که به آن پی‌بردیم، به سال هجری ۱۳۴۹ هجری ۱۹۳۰-۱۹۳۱ میلادی برمی‌گردد. این ترجمه در کتابخانه صلاح‌الدین در اربیل عراق قرار دارد و مترجم آن عبدالکریم قاضی است. این قرآن به خط مترجم و دارای هشت جزء است. نیز در کتابخانه خصوصی مسعود محمد جالی‌زاده پسر ملا محمد یک نسخه خطی به صورت ترجمه تفسیری وجود دارد. این ترجمه به وسیله جالی‌زاده محمدبن جمال‌الدین عبدالله بن ضیاء‌الدین محمد اسعد کاک جالی Kakjali انجام گرفته است.^{۴۵} ما اطلاع بیشتری از

پژوهشی درباره ترجمه‌های مخطوط معانی قرآن کریم ۹۷ □

این نسخه خطی نداریم و همچنان به اطلاعاتی درباره نسخه‌های خطی ترجمه قرآن کریم به زبان بولندی (بولونی) نیاز داریم.^{۴۶}

در کتابخانه دانشگاه لیدن دو نسخه خطی به زبان ماکسار Macassar (اندونزی) به شماره‌های (Bugis Makasar 36 & 52) وجود دارد.^{۴۷}

بیشترین ترجمه‌های قرآن کریم به زبان مالایی Malay که به ده ترجمه می‌رسند و ما به آنها پی بردیم، ترجمه‌هایی ناقص یا گزیده‌اند. برخی از نسخه‌ها تنها حاشیه‌هایی به زبان مالایی دارند. حجیم‌ترین نسخه در کتابخانه دیوان بهاسا Dewan Bahasa است که به دو خط عربی و جاوی نوشته شده است.^{۴۸} در دانشگاه لیدن در هلند ترجمه‌ای تحت اللفظی از تفسیر جلالین وجود دارد به شماره (OR. 3224) که تاریخ آن به قرن نوزدهم میلادی برمی‌گردد.^{۴۹} نیز نسخه خطی دیگری از قرآن در کتابخانه ملی پاریس به شماره (Arabes Suppl. 129) وجود دارد که ۲۹۰ برگ است و تعلیقاتی میان سطری دارد.^{۵۰} در کتابخانه انجمن سلطنتی آسیایی، دو ترجمه به زبان مالایی (Callmark: Malay 79, Arabic 4) وجود دارد که به ترتیب ۳۵۲ برگ^{۵۱} و ۱۹ برگ^{۵۲} هستند. نیز ترجمه‌ای از سوره فاتحه در کتابخانه دانشگاه کارل مارکس در شهر لایپزیک Leipzig به شماره (MS. Or 896b) و^{۵۳} و ترجمه‌ای از سوره کهف در کتابخانه دانشگاه کمبریج به شماره (Ii. 6. 45) و^{۵۴} وجود دارد. در کتابخانه دیوان بهاسا یک نسخه خطی از ترجمه تفسیر جلالین به تاریخ ۱۴۵۰ میلادی به شماره (۹۷) موجود است که در تملک جلال الدین بن احمد محلی بوده و در آغاز آن برخی از حاشیه‌ها به زبان مالایی و پاره‌ای تعلیقات به صورت زیرنویس به زبان جاوه است.^{۵۵}

همچنین در کتابخانه دانشکده کنجز کالج در دانشگاه کمبریج نسخه‌ای خطی از تفسیر زمخشری با عنوان الکشاف به شماره ۸۶ وجود دارد و در پایان آن حاشیه‌هایی نوشته شده که احتمالاً به زبان مالایی است.^{۵۶}

نیز از وجود ترجمه سوره غاشیه تحت عنوان «ترجمه سوره الغاشیه» به زبان پنجابی اطلاع یافتیم که در کتابخانه‌ای خصوصی است، اما نتوانستیم مشخصاتی از آن به دست آوریم.^{۵۷} در میان ترجمه‌های قرآن به زبان پشتو Pashto (که زبان افغانستان و شمال پاکستان است) نسخه‌ای خطی تحت عنوان «شرحی مندوم بار الآیات القرآنیة والاحادیث النبویة» موجود است که ادیب محمد سامد [؟] آن را در تاریخ ۱۱۲۵/۱۷۱۳ م ترجمه کرده است. این

نسخه در کتابخانه خصوصی ظاهر شاه در افغانستان است.^{۵۸} دو ترجمه دیگر به نامهای تفسیر البدر المنیر و تفسیر الضحی در کتابخانه وزارت مطبوعات و ارشاد به شماره‌های ۱۸۵^{۵۹} و ۱۸۸^{۶۰} موجود است. دیگر نسخه خطی، مشتمل بر ترجمه سوره‌های فاتحه و اخلاص، مربوط به قرن هجدهم میلادی است که در کتابخانه وزارت هند در لندن به شماره (Or. 6274) نگهداری می‌شود.^{۶۱}

از پنج نسخه خطی که به زبان روسی به دست آمد، یکی نسخه‌ای است که مترجم آن بوگوسلافسکی D. N. Boguslavsky است و تاریخ ۱۸۷۱ را دارد. این ترجمه روسی بر اساس تفسیر المواب العلیه به قلم حسین واعظ کاشفی است که ترجمه آن به زبان ترکی به قلم اسماعیل فروح در آرشیو آکادمی علوم (بخش Spb)^{۶۲} موجود است. نیز ترجمه کاملی از قرآن کریم به زبان روسی در ۷۸۰ صفحه که توسط پیتر واسیلیویچ پوستنکوف Piotr Vasil'yevich Postnikov صورت گرفته، در آرشیو دولت مرکزی کارهای باستانی Central State Archives of Ancient Acts در مسکو (F. 181, opis 1, N 148/217) موجود است که بر اساس ترجمه فرانسوی قرآن اثر آندره دوریه Andre du Ryer انجام گرفته است. از همین ترجمه نسخه دیگری شامل بیست سوره نخست قرآن در دست است که در کتابخانه آکادمی علوم سن پترزبورگ (بخش مخطوطات شماره‌های ۳۳، ۷، ۶) قرار دارد.^{۶۳}

درباره یک نسخه خطی روسی که گفته می‌شود توسط ولادیمیر لزیفی Volodymyr Lezevye ترجمه شده اطلاع دقیقی به دست نیاوردیم. این نسخه در کتابخانه مرکزی آکادمی اوکراین نگهداری می‌شود.^{۶۴} نیز در کتابخانه مرکز بررسیهای شرقی در سن پترزبورگ (فهرست N168، شماره D723) ترجمه‌ای میان سطری وجود دارد که به قرن نوزدهم برمی‌گردد. این اثر در ۴۸۰ صفحه است و ترجمه سوره‌های فلق و ناس را ندارد.

در مرکز بررسیهای سندی در دانشگاه سند پاکستان به وجود یازده نسخه از ترجمه قرآن کریم به زبان سند آگاهی یافتیم. از این نسخه‌ها سه نسخه خطی تحت عنوان «قصه حضرت یوسف جو» (Qissa Hazrat Yusuf Jo) است که شخصی به نام احمد آن را ترجمه کرده است. نیز قاضی شرف الدین سهوانی ترجمه مخطوطی تحت عنوان قرآن مجید مترجم سندی دارد. سه نسخه خطی دیگر، اجزایی از التفسیر الهاشمی است که در سال ۱۱۷۰/هـ ۱۶۵۹م به وسیله مقدم محمد هاشم تهاثوی ترجمه شده است. نسخه‌های دیگر عبارتند از: ترجمه تفسیری

بژوهشی درباره ترجمه‌های مخطوط معانی قرآن کریم ۹۹ □

از مولانا عبیدالله سندی (۱۲۸۹-۱۳۶۳ هـ/۱۸۷۲-۱۹۴۴ م) و نیز ترجمه‌ای همراه با تفسیر که آن را «میان فاضل شاه» در سال ۱۳۲۲ هـ/۱۹۰۴-۱۹۰۵ کامل کرده است و «تفسیر القرآن المجید» از مترجمی ناشناخته. نیز در کتابخانه وزارت هند در لندن، ترجمه‌ای از سوره یوسف به زبان سندی موجود است (MS. Sind 4).^{۶۵}

اطلاعاتی وجود دارد که نسخه‌ای خطی به زبان سیامی (تایلندی) در دانشگاه کنساس Kansas موجود است.^{۶۶} البته ما در انتظار دریافت آگاهی‌های بیشتری از آن هستیم.

همچنین نسخه‌هایی از ترجمه قرآن کریم به زبان سریانی وجود دارد که عبارتند از دو نسخه خطی که در کتابخانه دانشگاه هاروارد در آمریکا و کتابخانه جان ریلند John Ryland در منچستر^{۶۷} نگهداری می‌شوند و هنوز اطلاع مفصلی از آنها به دست نیآورده‌ایم.

ما همچنین از وجود بیست و دو نسخه خطی از ترجمه قرآن کریم به زبان سواحلی در کتابخانه دارالسلام تانزانیا آگاهی پیدا کردیم. آنها ترجمه‌های سوره‌های مختلف‌اند. شش نسخه خطی از آنها ترجمه احمد باشیخ حسین، ده نسخه از مترجمی به نام «منصب»، یک نسخه از مسعود عبدالله و مترجم پنج نسخه دیگر ناشناخته است.^{۶۸}

تنها نسخه خطی ترجمه قرآن کریم به زبان ولوف Wolof (زبان غرب آفریقا) توسط محمد دیمی ترجمه شده است. این ترجمه در دو جلد قرار دارد و از آن با نام تفسیر قرآنی یاد می‌شود. نسخه خطی آن در داکار قرار دارد.^{۶۹}

دکتر انیس کاریچ Enes Karic از سه نسخه ترجمه قرآن به زبان بوسنی خبر داده است؛ از جمله: ترجمه میان سطری حافظ سعید زنونوویچ Zenunovic و نسخه‌ای که حلمو ساریچ Hilmo Saric آن را کتابت کرده است. نسخه اول در جنگ جهانی دوم، و نسخه دیگر در طول سی سال گذشته از میان رفته است. نسخه خطی سوم ترجمه فتن کولینوویچ Fatin Kulenovic به زبان بوسنی است که در واقع برگردانی از کتاب معانی القرآن الکریم نوشته ابراهیم حقی از میرلی است. این نسخه خطی در دو جلد در «سارایوو» است که با حروف لاتین نوشته شده و ما همچنان در انتظار دریافت آگاهی‌های مفصلی از این سه نسخه خطی هستیم.

نسخه‌های خطی ترجمه‌های قرآن کریم از جهات گوناگون بررسی‌های دقیقی را می‌طلبد. آنها علاوه بر اهمیت ذاتی خود، منبع مهمی برای شناخت زبان، هنر و تاریخ علوم به شمار می‌روند و می‌توان بحث‌های مستقلی را از جهات متعدد به بررسی گسترده این نسخه‌های

خطی اختصاص داد. از جمله موضوعاتی که می‌توان آنها را مورد بررسی قرار داد، موارد زیر است:

انگیزه‌های گزینش اجزا، سوره‌ها و آیات معین از قرآن کریم
تفاوت‌های موجود در نسخه‌های مختلف ترجمه‌های قرآن و علل آن
مقابلة میان نسخه‌های مختلفی که از یک ترجمه وجود دارد، مانند تفسیر ابواللیث
سمرقندی.

پایان سخن اینکه هدف ما از بحث و بررسی در باب ترجمه‌های خطی معانی قرآن کریم این است که پژوهشگران و دانشمندانی را که در این زمینه تخصص دارند، به همکاری با مرکز بررسی‌های تاریخ، هنر و فرهنگ اسلامی در استانبول و شرکت در آماده‌سازی کتابشناسی جهانی ترجمه‌های خطی معانی قرآن کریم تشویق کنیم تا این کار علمی مهم به نتیجه برسد و تقدیم پژوهشگران گردد.

پیوستها

۱. نصرالله مبشر الطرازی، فهرس المخطوطات الفارسیة فی دارالکتب المصریة، الجمهورية العربية المتحدة، قاهره، ۱۹۶۶-۱۹۶۷، ج ۲ ص ۱۵۱، شماره ۲۱۷۶.
2. Zeki Velidi Togan, «Londra ve Tahran'daki Islāmî Yazmaların Bazılarına Dair» *Islāmî Tedkikler Enstitüsü Dergisi*, III, 1959-60, pp. 135-8; Fuat Köprülü, *Türk Edebiyatı Tarihi*, İstanbul 1926, pp. 190-3; Abdülkadir Inan, «Eski Türkçe Üç Kuran Tercümesi». *Türk Dili Dergisi*, nos 6,7,9 (1952), p. 324.
3. M.A. Fikrat, *A Catalogue of the Manuscripts of the Holy Qur'ān in Translation, Preserved in the Library of Āstān-i Quds-i Rizavī*, Mashhad 1323 sh, p. 89, no 37.
4. A. A. Semenov, *Sobrain Vostochnikh Rukopisey Akademii Nauk Uzbekskoy SSR*, Tashkent 1952-87, vol.IVP. 55, no. 2870.
5. Fikrat, p. 98, no 53; Ahmad Gulçin Maani, *Rahnamā-yi Ganjīnah-yi Qur'ān*, Tehran, n.d., p. 107, no. 48; David James, *Qur'āns of the Mamluks*, London 1988, p. 244, no 58.
6. Janos Eckmann, «Kur'ān in Doğu Türkçesine Tercüneleri», trans. Ekrem Ural. I. *Ü. Edebyat Fakültesi Türk Dili ve Edebiyatı Dergisi*, vol. XXI, (1973), pp. 15-24.
7. Abdülkadir Inan, «Eski Kuran Tercümelemin Dili Mwselesi», *Türk Dili Dergisi*, vol, I, no. 7, (April 1952), pp. 395-8; Eckmann, pp. 15-24.
8. Eckmann, pp. 15-24; Muhammad Hamidullah, *Kur'ān Kerīm Tarihi*, trans. Sait

پژوهشی درباره ترجمه‌های مخطوط معانی قرآن کریم (۱۰) □

Mutlu. Istanbul 1965, p. 74; Ahmet Topaloğlu, «Kurān-ī Kerīm in İlk Türkçe Tercümelere ve Cavāhirü'l Asdāf», *Türk Dünyası Araştırmalar*, no. 27, (1983), pp. 20, 59; Semonov, vol IV no. 2854; Eckmann, p. 20.

9. Özcan Tabaklar, «Amme Cüzü Tefsiri» (M.A. Thesis, I. Ü. Edebiyat Fakültesi Sosyal Bilimler Enstitüsü, Istanbul 1987), p. 53.

10. Ahmet Ateş, «Burdur-Antalya ve Havalisi Kütüphanelerinde Bulunan Türkçe, Arapça ve Farsça Bazı Mühim Eserler», *Türk Dili ve Edebiyatı Dergisi*, 2 (1948), pp. 171-91.

11. *Sayyarah Digest Monthly* (Exclusive issue on the celebration of 1400 years of the revelation of the Holy Qur'ān), Lahore (1973). Qur'ān number XX, pp. 902-3 B/304, B/327, B/321.

12. Ibid., p. 897, A/160.

13. Bibliothèque Nationale, *Catalogue des Manuscrits Latins*, Paris 1966, vol. V, pp. 334-9, 487-9, 491-2.

14. *Der Islam und das Christentum*, p. 132, no 35.

15. Muhammad Hamidullah, *Le Coran*, France 1959, p. XLVI: Bibliothèque Nationale, *Catalogue*, vol. V, pp. 492-3.

16. Bibliothèque Nationale, *Catalogue*, vol. V, pp. 339-41; *Der Islam...*, p. 133, no. 36/Abb.4.

17. Hamidullah, *Le Coran*, p. XLVII; Marcel Devic, «Une traduction inédite du Coran», *Journal Asiatique*, 8ème série I (1983), pp. 343-406.

18. Carl Brockelmann, *Katalog der Orientalischen Handschriften der Stadtbliothek zu Hamburg. Teil I. (Die arabischen persischen, turkischen, malaischen, koptischen, syrischen, athiopischen Handschriften)*, Hamburg 1908, vol. I, p. 10.

19. Hamidullah, *Le Coran*, p. XLIII.

20. Hamidullah, *Le Coran*, p. XLIII; P. Tiele, *Catalogus Codicum Manuscriptorum Bibliothecae Universitatis Rheno-Tarajectinal*, vol. I, no. 1437; P. Voorhoeve, *Handlist of Arabic Manuscripts in the Library of the University of Leiden and Other Collection in the Netherlands*, Leiden 1957, p. 227.

21. Hamidullah, *Le Coran*, p. XLVIII.

22. M. le Baron de Slane, *Bibliothèque Nationale, Départements des Manuscrits. Catalogue des Manuscrits Arabes de la Bibliothèque Nationale*, Paris 1883-95, vol. I, pp. 117-8, no 384, p. 137, no 590; Georges Vajda and Yvette Sauvan, *Catalogue des manuscrits arabes, 2ème partie: Manuscrits musulmans*, Paris 1978, vol. II, p. 3, no. 590; Leopold Delisle, *Inventaire des Manuscrits Conservés à la Bibliothèque Nationale sous les no. 8323-11503 du Fonds Latin*, Paris 1863, p. 110; W.A Ahlwardt, *Verzeichnis der Arabischen Handschriften der Königlichen Bibliothek zu Berlin*, Berlin 1887-9, no 413, no.

1032; Brockelmann, vol. I. p. 158, no 299; E. G. Browne, *A hand-list of the Muhammedan manuscripts including all those written in the Arabic character, preserved in the libraries of the University and Colleges of Cambridge*, Cambridge 1900, p. 149, nos. 837, 838; *Catalogue Général Bibliothèque Municipale de Poitiers*, 1894, vol. XXV, p. 2, no 10; *Katalog der Handschriften der Königlichen Öffentlichen Bibliothek zu Dresden*, Leipzig 1882, vol. I, pp. 55-6; Hamidullah, *Le Coran*, p. XLVIII.

23. C. A. Storey, *Catalogue of the Arabic Manuscripts in the Library of the India Office, vol. 2/1: Qur'anic Literature*, London 1930, p. 6, no. 1062.

24. J.D Pearson, «Translation of the Qur'ān», *The Encyclopaedia of Islam*, new ed, vol V, p. 431.

25. Franz Nikolaus Finck-Levon Gjandscheizian, *Systematisch-Alphabetischer Hauptkatalog des Königlichen Universitäts Bibliothek zu Tübingen*, (M. Handschriften. a) Orientalische XVIII, Tübingen 1907, p. 117.

26. N. Karamianz, *Verzeichnis der Armanischen Handschriften*, Berlin 1988, p. 78, no. 96.

۲۷. محمد دانش‌پژوه و ایرج افشار، نسخه‌های خطی نشریه کتابخانه مرکزی دانشگاه، تهران،

۱۳۴۶، ص ۳۲۴، ش ۱۲.

28. Thierno Diallo, *Catalogue des Manuscrits de l'IFAN*, Dakar 1966, p. 65.

29. Ibid., p. 44.

30. Jan Bauwens, *Manuscrits Arabes à la Bibliothèque Albert 1er*, 1968, p. 12, no. 20.

31. Voorhoeve, *Handlist*, p. 278.

32. A. Nauber, *Catalogue of the Hebrew Manuscripts in the Bodleian Library*, entry no. 2207; J. D. Pearson, «Translation of the Qur'ān», *EI*, vol V, p. 431.

33. Nauber, entry no. 1221.

34. Hamidullah, *Le Coran*, p. XLV;

محمد صالح البنداق، المستشرقون وترجمة القرآن الكريم، بيروت، ۱۹۸۰، ص ۱۶۲.

35. M. F Deloncle, *Catalogue des Livres Orientaux et Autres Composant la Bibliothèque de Feu M. Garcin Tassy*, Paris 1879, p. 266, no. 2954.

36. Georges Vajda and Yvetee Sanvan, 2ème partie, p. 44, no. 654; M. Le Baron de Slane, vol. I, p. 147, no. 654.

37. P. de Jong, M.J. de Goeje, And M. Th. Houtsma, *Catalogus Codicum Orientalium Bibliotheca Academiae Lugduno-Batavae*, 1851-87, vol. IV, no. 1696; Voorhoeve, *Handlist*, p. 353.

38. Voorhoeve, *Handlist*, p. 353.

39. Theodore G. T. Pigeaud, *Javanese and Balinese Manuscripts*, 1975, pp. 131-2, no.

پژوهشی دربارهٔ ترجمه‌های مخطوط معانی قرآن کریم ۱۰۳ □

64.

40. De Jong, Goeje, and Houtsima, vol. IV, no. 2837.
41. Vorhoeve, *Handlist*, p. 278.
42. J. Gildemeister, *Catalogues Librorum Manuscriptorum Orientalium in Bibliotheca Academica Bonnensi Servatorum*, Bonn 1864-76, p. 1, no 1.
43. Otto Loth, *A Catalogue of the Arabic Manuscripts in the Library of the India Office*, Osnabrück 1975, p. 303, no 1048.
44. A. D. H. Bivar, «A dated Kuran from Bornu», *Nigeria Magazine*, 65 (1960), p. 203; Mofakhkhar Hussain Khan, «Translation of the Holy Qur'ān in the African Languages», *The Muslim World*, 77, nos. 3-4 (July-October 1987), pp. 250-8.
45. Hassan A. Ma'ayergi, «History of the Works of Qur'ānic Interpretation (Tafsir) in the Kurdish Language», *Journal of the Institut of Muslim Minority Affairs*, vol. 7, no. 1 (1986), pp. 268-74.
46. Hamidullah, *Le Coran*, p. XLVIII.
47. Voorhoeve, *Handlist*, p. 227-78.
48. Dewan Bahasa dan Pustaka, *Katalog Manuskript di Perpustakaan Dewan Bahasa dan Pustaka*, Kuala Lumpur, 1983, p. 53.
49. Vorhoeve, *Handlist*, p. 353.
50. M. Le Baron de Slane, vol. I, p. 128-9.
51. Oliver Codrington, «Catalogue of the Arabic, Persian, Hindustani and Turkish Manuscripts in the Library of the Royal Asiatic Society», *Journal of the Royal Asiatic Society*, no. 3 (1982), pp. 509-69; H. N van der Tuuk, *Short Account of the Malay Manuscripts belonging to the Royal Asiatic Society*, no. 79/IX, 1866, p. 127.
52. P. Voorhoeve, «List of Malay Manuscripts in the Library of the Royal Asiatic Society, London», *Journal of the Royal Asiatic Society of Great Britain and Ireland* (1963), p. 67.
53. Karl Vollers, *Katalog der Islamischen, Christlichorientalischen Handschriften der Universitäts Bibliothek zu Leipzig*, 1906, p. 369, no. 1054.
54. Browne, *Hand-list*, p. 47, no 255.
55. Dewan Bahasa..., p. 54.
56. E. G. Browne, *A supplementary hand-list of the Muhammedan manuscripts, including all those written in the Arabic character, preserved in the libraries of the University and Colleges of Cambridge*, Cambridge 1922, p. 171, no. 1033.
57. *Sayyarah Digest...*, p. 503.
- 58 O. P. S. de Laugier de Beauceuil, *Manuscrits d'Afghanistan*, Cairo 1964, p. 46, no. 9.
- 59 Ibid., p. 265, no. 8.

60. Ibid., p. 265 no. 9.
61. J. F Blumhardt, *Catalogue of Pushtu and Sindhi Manuscripts in the Library of the British Museum*, London 1905, pp. 1-3, no 2/1.
62. Hamidullah. *Le Coran*, p. XLIX.
63. Ibid, p. XLIX.
64. Ibid., p. L.
65. C. Shackle, *Catalogue of the Panjabi and Sindhi Manuscripts in the India Office Library*, London 1977, p. 69, no 85.
66. J. D. Pearson, *Oriental Manuscripts in Europe and North America*, Switzerland 1971, p. 426.
67. Pearson, «Translation of the Kur'ān», vol. V, p. 431.
68. J. W. T. Allen, *The Swahili and Arabic Manuscripts and Tapes in the Library of University College Dar-as-Salaam, a Catalogue*, Leiden 1970, pp. 1-34.
69. Mbaye al-Hadji Rawane Mbaye-Babacar, «Supplément au catalogue des manuscrits de l'IFAN, *Bulletin d'IFAN*, T. 37, ser. B, no. 4, 1937, p. 881.

پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی